

موج جدید اعدام زندانیان سیاسی در ایران

" گنه کرد در بلخ آهنگری ، به شوشتر زدند گردن مسگری " !

رژیم اسلامی ایران در زمانه " دولت تدبیر و امید " بار دیگر " تعادل " از دست داد و بقول خامنه ای ، " رکورد " زد و در عرض دو روز (جمعه 3 و شنبه 4 آبان) 18 زندانی سیاسی را به چوبه دار سپرد . این درحالیستکه حدود 20 زندانی سیاسی دیگر کرد و عرب نیز احکام اعدام دریافت کرده اند .

روز جمعه حبیب الله گلپری پور ، زندانی سیاسی کرد به اتهام ارتباط با گروه پژاک در زندان ارومیه و رضا اسماعیلی با همین ادعا در روز شنبه در زندان سلماس اعدام شدند . اما تازه ترین فاجعه هولناک رژیم رکورددار اعدام در جهان ، کشتاریست که به حکم دادستانی زاهدان در روز شنبه 4 آبان بوقوع پیوسته است که طی آن در یک انتقام جویی آشکار ، حداقل 16 زندانی سیاسی بلوچ اعدام شدند. رژیم بطور علنی اعلام کرده که این اعدامهای فله ای را در واکنش به کشته شدن 14 تن از مرزبانان رژیم در منطقه سراوان بلوچستان انجام داده است بی آنکه زندانیان اعدام شده ارتباطی با آن درگیری مسلحانه داشته باشند . یک گروه بنیاد گرای سنی به اسم " جیش العدل " که دارای مواضعی شبیه القاعده است با انتشار ویدئوهایی مسئولیت عملیات سراوان را بعهده گرفته است و آنرا واکنشی به ستم ، تبعیض و سرکوب سیستماتیک دانسته که اهل سنت ایران و مردم بلوچ در سایه رژیم شیعی ایران متحمل می شوند . مشابه چنین عملیاتی را در سالهای گذشته گروه " جندالله " انجام میداد که به دنبال دستگیری و اعدام رهبر آن " عبدالملک ریگی " دیگر فعالیتی از آن گروه مشاهده نمی شد .

تردیدی نیست که خلق ستمدیده بلوچ چه در رژیم پهلوی و چه در رژیم اسلامی تحت شدیدترین تبعیض ها و محرومیت ها قرار داشته اند و منطقه بلوچستان بر مبنای آمارهای خود رژیم ، محرومترین استان کشور محسوب می شود . در سالهای نخستین پس از انقلاب 57 نیروهای چپ و دمکرات نقش وسیعی در گسترش آگاهیهای سیاسی و اجتماعی مردم زحمتکش این منطقه داشته اند اما بسیاری از این فعالین دستگیر و اعدام گشتند و یا ناگزیر از تبعید ناخواسته به کشورهای خارج شدند . بخشی از این فعالین در اروپا با ایجاد تشکلهای جدید و یا ادامه فعالیت در تشکلهای تا کنونی ، سعی می کنند منعکس کننده خواستها و مطالبات مردم بلوچ باشند اما مسدود کردن راه هر نوع فعالیت مدنی ، اجتماعی و سیاسی در بلوچستان و امنیتی جلوه دادن این فعالیتها ، راه را برای قدرتگیری و سرپازگیری نیروهای ارتجاعی سنی فراهم کرده که بنام " دفاع از ملت سنی بلوچ " خود را تنها آلترناتیو ممکن جلوه گر می سازند . آنها در شرایطی که توازن قوا و وضعیت سیاسی موجود ایجاب میکند که جنبشهای اجتماعی و مطالباتی زمینه برای رشد تدریجی پیدا کنند در برابر سرکوبهای فاشیستی رژیم شیعی ، متقابلا دست به خشونت برآمده از ماهیت ارتجاعی و بنیادگرایانه سنی خود میزنند و همچون پارازیتی ، فضا را برای هر نوع فعالیت اجتماعی می بندند و به رژیم حاکم گزک میدهند که هر نوع تحرک سیاسی و فعالیت مدنی را امنیتی و " تروریستی " قلمداد کند .

واقعیت این است که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ، اسلام سیاسی در جدال آشتی ناپذیر با اردوی آزادی ، برابری و سکولاریسم و نیز در جدالش گاهی معاملات و سازشهایش با " استکبار جهانی " ، مشغول یک رقابت فرقه ای " درون - دینی " نیز است و آن همانا رقابت سیاسی - ارتجاعی اسلام سیاسی سنی با اسلام سیاسی شیعی در این جغرافیای استراتژیک است . به همین خاطر از لبنان و سوریه تا عراق و بحرین و از عربستان و ایران تا افغانستان و پاکستان مشغول کشتار سیستماتیک یکدیگر هستند . امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا نیز با تجهیز هر دو طرف - گاهی در جدال با یک نیرو و گاهی در اتحاد با نیروی مقابل - و البته راه اندازی جنگهای متعدد ، سهم به سزایی در این فجایع ایفا میکند .

آنچه رژیم ایران در روز شنبه انجام داد ، در مقیاس کوچک ، تکرار فاجعه کشتار زندانیان سیاسی زندانهای ایران در تابستان 67 بود که در آن رژیم به بهانه عملیات مسلحانه مجاهدین خلق در غرب کشور ، هزاران زندانی سیاسی مجاهد ، چپ و دمکرات را اعدام کرد . زندانیانی که همچون 16 زندانی سیاسی بلوچ دوران عادی حبس خود را می گذراندند و هیچ نقشی در عملیات مسلحانه صورت گرفته نداشتند . رژیم با این انتقام جویی علنی و هولناک ، میخواهد به فعالین سیاسی در کل ایران بویژه در مناطق محروم بلوچستان ، کردستان و خوزستان پیام دهد که رویای بازسازی و رشد جنبشهای اجتماعی گوناگون - از جمله جنبش کارگری ، جنبش زنان ، جنبش دانشجویان و جوانان و جنبش ملیتهای تحت ستم - در دوران " نرمش قهرمانانه " را از مخیله خویش بدر کنند . اعدام بیش از 140 نفر در دوره ریاست جمهوری

حسن روحانی و ترور بیش از 54 نفر از پناهیویان سیاسی ایرانی در عراق و ترکیه ، در راستای همین سیاست صورت گرفته است .

در این میان 50 تن از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج با امضای یک نامه جمعی ، نسبت به " کشتار سفید " و تدریجی در این زندان هشدار داده اند . 37 زندانی سیاسی زندان اوین نیز با امضای نامه ای نسبت به وضعیت خود و بد رفتاری با خانواده های زندانیان ، ساعتراض کرده اند و فعالین کارگری نیز نسبت به وضعیت سلامتی اسف انگیز کارگران زندانی همچون رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده هشدار داده و خواهان آزادی فوری آنها شده اند .

در چنین شرایطی که شاهد اوجگیری جنبشهای اجتماعی در هفته های اخیر بوده ایم ، وظیفه نیروهای چپ ، آزادیخواه و سکولار است که ضمن مرزبندی با کلیه جریانات راست ، ارتجاعی و وابسته در درون اپوزیسیون ، و با در نظر گیری شرایط سیاسی جامعه و بکارگیری اشکال مبارزاتی و تاکتیکهای مناسب با درجه آمادگی توده ها ، به رشد و قوام این جنبشها یاری رسانند . قدرنمایی اخیر رژیم نه نشانه برتری روحی او بلکه ناشی از بحران و ضعف عظیمی است که دچارش شده است . از این ضعف باید آگاهانه بهره گرفت و مبارزه طبقاتی و جنبشهای اجتماعی موجود را بتدریج بسوی انقلابی نوین برای به زیرکشیدن نظام اسلامی سرمایه داری سوق داد .

سرنگون باد وژیم سرمایه درای اسلامی ایران

زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

یکشنبه 5 آبان 1392 – 27 اکتبر 2013

www.rahekaregar.com